

چکیده

در اینکه امنیت نعمتی بدون جایگزین است کسی شک ندارد و از دغدغه‌های اصلی هر جامعه‌ای امنیت و آرامش است. امنیت مانند اکسیژن برای جامعه ضروری است؛ به همین دلیل، جامعه حاضر است هزینه‌های زیادی را در این راستا تحمل کند.

قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و خلافت و جانشینی صالحان و طرح امامت می‌شمارد، و بحثی است که در آیات مختلف، مستقیم و غیرمستقیم به آن پرداخته شده و لذا یکی از دغدغه‌های انبیاء و ائمه (ع) مسئله امنیت و آسایش جامعه بوده است و دوست داشته‌اند که مردم را از عواقب شوم ناامنی نجات داده و لذت شیرینی امنیت را به کام مردم بچشانند. همان طور که در متن اشاره خواهد شد: امیرالمؤمنین (ع) نعمت مهم دنیا را امنیت و سلامتی جسم و کمال نعمت آخرت را وارد بهشت شدن می‌داند و در احادیث دیگر، امنیت از ضروریات اولیه زندگی بشر شمرده شده و وطنی که امنیت ندارد بی‌ارزش قلمداد شده است. احساس امنیت از خصایص مؤمن شمرده شده و تأمین امنیت از اهداف جهاد قلمداد شده است. بر این اساس، رهبر معظم انقلاب امنیت را مانند هوا برای جامعه انسانی ضروری می‌دانند.

در این مقاله به بی‌بدیل بودن نعمت امنیت و آثار سوء غفلت از این نعمت و ناسپاسی آن اشاره شده است و به مهم‌ترین ویژگی یک شهر خوب از نگاه قرآن و احادیث که همان امنیت است، پرداخته‌ایم و یکی از بهترین راه‌های زندگی سالم و قابل قبول را وجود امنیت در جامعه شمرده و بسیاری از کارهای فکری و فرهنگی مبتنی بر وجود امنیت شده است. به تعبیر دقیق‌تر تمام زیر ساختهای تربیتی و اخلاقی، حتی اقتصادی متوقف بر همین مسئله بوده و تا زمانی که این موضوع به نحو قابل قبولی در جامعه برقرار نشود، انتظار پیشرفت هیچ کاری را

نباید داشت. امام خمینی (قدس سره) و مقام معظم رهبری بر اهمیت امنیت تاکید فراوان کرده‌اند و راهکارهایی برای تأمین و توصیه‌هایی به حافظان امنیت دارند. همچنین حکومت جمهوری اسلامی و مسئولان نظام به امنیت جامعه توجه خاصی دارند و خوب می‌دانند که وجود امنیت زمینه ساز تمام پیشرفت‌ها و تحولات اجتماعی مثبت است.

از این رو، تأمین امنیت مهم‌ترین مسئله و تأمین‌کننده آن، نیرویی بسیار مهم و عزیز شمرده خواهد شد. اینجاست که می‌توان به نقش بسیار مهم نیروهای انتظامی اشاره کرد.

کلید واژه‌ها

امنیت (Security)، اهمیت (Importance)، اسلام (Islam)، نیروی انتظامی (Police)، امنیت اجتماعی (Societal security)، حکومت (Government)، مردم (People).

مقدمه

بهترین راه شناخت دیدگاه اسلام راجع به ارزش و اهمیت امنیت، رجوع به منابع اولیه اسلامی است. قرآن کریم اولین و مهم‌ترین منبع معارف اسلامی است. قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت می‌شمارد و احساس امنیت را از خصایص مؤمن معرفی می‌کند و تأمین امنیت را از اهداف جهاد می‌شمارد. علاوه بر قرآن کریم، احادیث ائمه اطهار(ع) نیز در باب امنیت راهگشا می‌باشند. حضرت علی (ع) تأمین امنیت در جامعه را از انگیزه‌های قیام صالحان و اهداف عالیه می‌داند. حضرت در عهدنامه مالک‌اشتر ضمن تأکید بر انعقاد پیمانهای صلح برای تأمین امنیت، پیشگیری از عوامل تهدید کننده امنیت را نشان می‌دهد (عبده، ۱۳۷۵، ج ۳: ۹۰).

اصولاً اسلام هر نوع ایجاد وحشت و هراس را در درون انسانهایی که مرتکب خلاقی نشده‌اند، ظلم و تجاوزی بس بزرگ تلقی می‌کند. امنیت جان و مال و عمل و حقوق و آزادیهای مربوطه، شخصیت و شرف و حیثیت از تأکیدات اسلام است؛ ضمن اینکه امنیت در اسلام، اختصاص به صالحان و افرادی دارد که مرتکب خلاقی نشده و در مسیر انجام وظیفه‌اند و در مقام احترام به قانون هستند و اما آنها که در مسیر خلافند و

یا مرتکب بزه و جرم شده‌اند، به دلیل ماهیت عملکردشان، از حق امنیت محرومند. توجه به آیات و روایات می‌رساند که اسلام وجود امنیت را در داخل بلاد اسلامی و حتی در درون فرد مسلمان ضروری می‌داند.

طرح مسئله

معنای لغوی امنیت

ریشه امنیت در لغت از «امن»، «استیمان»، «ایمان» و «ایمنی» است که به مفهوم اطمینان، آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی و ناآرامی است.

به عبارت دیگر، امنیت را به اطمینان و فقدان خوف تفسیر، تعریف و ترجمه کرده‌اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک و شامل دو بُعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت است: از یک سو اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی، که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌شوند.

«اصل امنیت، طمأنینه و آرامش نفس و از میان رفتن ترس و خوف است. امن، امانت و امان در اصل مصدر هستند و به حالت و وضعی اطلاق می‌شود که انسان در آرامش باشد. گاه نیز بر چیزهایی اطلاق می‌شود که انسان بر آن امانتدار و امین است» (اصفهانی راغب، ۱۳۷۵).

برای تبیین هر چه بیشتر مفهوم امنیت مطلب را به گونه‌ای دیگر طرح می‌کنیم. به این جمله دقت کنید: «امنیت، اساسی‌ترین نیاز بشر است و تأمین آن نخستین وظیفه حکومت‌هاست.» تصدیق این گزاره، نیازی به تأمل و مجادله ندارد و در ادبیات سیاسی و جامعه‌شناختی معاصر، از بدیهی‌ترین اصول شناخته می‌شود. البته بدیهی بودن یک مفهوم، ملازمه‌ای با اتفاق نظر در همه جوانب مربوط به آن ندارد و اهمیت این مفهوم با تعریف مورد جامع از آن پیوند نخورده است» حتی به تعبیر «باری بوزان» باید آن را یک «مفهوم توسعه نیافته» نامید که «با تعریف ساده در ضدیت است» (فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸: ۳۱۹-۳۱۷).

انواع امنیت و شاخص‌های آن

در حقیقت امنیت یک معنای نسبی دارد و بسته به وضع و شاخصهای مربوط به آن است و به نوعی مترادف با ایجاد فرصت برای استفاده از ظرفیتهای و کاهش آسیبها و تهدیدها و خطرات برای فرد، خانواده، جامعه، ملت و کشور است و شامل ثبات و امنیت اقتصادی، قضایی و حقوقی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی، سیاسی و نظامی می‌شود.

امنیت فردی را باید در ایمان واقعی و آرامش روحی و اطمینان و طمأنینه نفس و یاد خداوند متعال جستجو کرد که «الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (سوره رعد، آیه ۲۸).

امنیت اجتماعی را باید در سایه تقوا و عدالت، ایمان و عمل صالح و رعایت حرمت و حقوق انسانها و دفاع از مظلومان و محرومان و برخورد با فاسدان و مجرمان و بزهکاران و رفع فقر و تأمین رفاه و معیشت مردم و حفظ آزادیهای مشروع و حاکمیت عدل و حق و قانون و معیارهای انسانی و الهی جستجو کرد. وَعَدَالَةُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...

خداوند به کسانی که از شما ایمان آوردند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آنها قطعاً خلیفه روی زمین خواهد گرد... و دین و آیینی که برای آنان پسندید پابرجا و ریشه‌دار و خوف و ترس آنان را به امنیت و آسایش مبدل می‌سازد (سوره نور، آیه ۵۵).

امنیت ملی

عبارت است از مصونیت ارزشهای حیاتی کشور از هرگونه تهدید و تعرض و فقدان ترس و خطر از تجاوز بیگانگان نسبت به حاکمیت، استقلال و سایر منافع اساسی و حیاتی مملکت در فرمانی خداوند بر پیامبر اکرم(ص) تأکید کردند که در مقابل کفار و منافقین ایستادگی نمایند و امنیت خود را حفظ کنند. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ... ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد و بر آنها بسیار سخت‌گیر باش... (سوره توبه، آیه ۷۲).

امنیت ملی را در سایه اقتدار و استقلال و دانایی و ارتباطات قوی و سازنده امت

اسلامی در کلیه ابعاد و زوایا و ایستادگی در برابر یورش و توطئه و تهدید دشمنان و بیگانگان و بیگانه پرستان و نفوذ ایادی شیطانی آنان باید پیگیری کرد. به یک معنا امنیت ملی ترکیبی است از امنیت داخلی، و اجتماعی و ایمنی در برابر تهدیدات و توطئه‌ها و خطرات خارجی و سلامت جامعه در برابر هر گونه تهدید داخلی و خارجی.

جایگاه و ارزش امنیت در قرآن و روایات

دولت در اسلام برآیند نیازها و احتیاجات واقعی مردم است و بر این اساس کشف اولویت یک وظیفه بر سایر وظایف از منظر دینی، نیازمند مراجعه به متون دینی و استخراج اساسی‌ترین و بنیانی‌ترین مطالبات و احتیاجات مردمی از لابه‌لای آیات و روایات است.

از آیات و روایات چنین به دست می‌آید که امنیت، از نعمتهای بزرگ خداوند و مقدم بر سایر نیازمندیهای بشر است؛ چنان که رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت ا... خامنه‌ای، امنیت را تشبیه به هوا که از ضروریات اولیه برای زندگی بشر است، می‌کنند: «امنیت، مثل هوا برای انسان، به طور مستمر لازم است. (بیانات مقام معظم رهبری در در مورخه ۱۳۷۲/۴/۲۶).

امنیت، نیاز ضروری

امام صادق (ع) سه موضوع را نیاز همهٔ آحاد بشر می‌دانند: امنیت، عدالت و فراوانی (ارزاق) (محمدری شهری، ۱۳۷۵: ۳۳۹۴).

همه می‌دانیم که اگر هر یک از این امور در زندگی بشر نباشند چه حوادث ناگواری اتفاق می‌افتد ولی نکتهٔ مهم این است که امام (ع) امنیت را مقدم بر عدالت و فراوانی ارزاق ذکر می‌فرماید و این نشان دهندهٔ این است که عدالت و ارزاق هم بدون امنیت ارزشی ندارند.

بی ارزشی وطن ناامن

در نگاه معصومین (علیهم السلام) آن وطنی ارزش دارد که امنیت داشته باشد و گر نه

خیری در آن نیست. پس مهم‌ترین چیزی که یک ملت باید به فکر تأمین آن برای وطن خودش باشد امنیت است. اساساً کشوری که ناامن باشد مورد توجه هیچ کس قرار نمی‌گیرد و رو به نابودی می‌رود.

پیامبر اعظم الهی (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «لاخیر فی... الوطن إلا مع الأمن و السرور» (مجلسی، ۱۳۰۴: ۵۸).

وطنی که امنیت و شادی در آن نیست، خیری در آن نیست (و ارزشی ندارد).
امیر المؤمنین علی (ع) هم بر همین نکته می‌فرمایند: «لاخیر... فی الوطن إلا مع الأمن و المسره» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵: ۳۵۶۸).

در این دو روایت سرور و مسرت متفرع بر امنیت قرار گرفته‌اند. واقعاً هم چنین است؛ زیرا بدون امنیت شادی معنا ندارد.

تأمین امنیت از اهداف تشکیل حکومت و اساسی‌ترین وظیفه آن در اسلام
در اسلام تشکیل حکومت به خودی خود مطلوب نیست، بلکه برای اهدافی است که از جمله اولی‌ترین این اهداف تأمین امنیت برای بندگان خداست.

حکومت بدون امنیت، حکومت نیست و یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقولات هر حکومتی، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاع از حقوق آنها است. امنیت سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش شرط هر گونه توسعه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید. از بیان امام علی (ع) در مورد ضرورت حکومت این معنا به خوبی استفاده می‌شود. حضرت در پاسخ شبهه خوارج که می‌گفتند «لا حُکْمَ إِلَّا لِلَّهِ»

«هولاء یقولون: لا امة الا لله و انه لا بد للناس من امیر برّ او فاجر، یعمل فی امرته المؤمن و یستمع فیها الکافر و یبلغ الله فیها الاجل و یجمع به الفیء و یقاتل به العدو و تأمن به السبل و تؤخذ به للضعیف من القوى حتی یستریح برّ یستراح من فاجر» (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۰۰).

در این بیان نورانی، امام (ع)، فلسفه حکومت را مقابله با دشمنان، حمایت از حقوق مظلومان و ستم‌دیدگان و مقابله با ستمگران و متجاوزان و تأمین رفاه بر می‌شمرد و ناامنی مقوله‌ای است که با آنارشیسم و عدم وجود دولت آمیخته است و دولت و امنیت

رابطه‌ای ساختاری و ماهوی دارند به گونه‌ای که برای تحقق آن چاره‌ای از وجود دولت نیست، حتی اگر زمامدار فرد یا گروهی فاسد و فاجر باشند و آنچه به عنوان آثار دولت و زمامدار در این خطبه آمده است رابطه‌ای مستقیم و یا غیرمستقیم با مسئله امنیت دارد.

نکته دیگر اینکه مقصود از «بلوغ اجلها» رسیدن اجلها طبیعی است؛ زیرا در اوضاع ناامنی و رواج قتل و تجاوز به نفوس، اجلها پیش افتاده و قبل از رسیدن به حدّ عادی و طبیعی مقررّ خود، اتفاق می‌افتند.

حضرت رضا (ع) در قسمتی از روایت طولانی که عبدالعزیز بن مسلم نقل می‌کند، فرمود:

«...بالاتمام... منع الثغور و الاطراف»؛ به وسیله امام مرزها و حدود کشور پاسداری می‌شود (الحرّانی، ۱۳۸۴: ۲۳۱).

امام حسین (ع) می‌فرماید:

بار خدایا! تو می‌دانی که آنچه کردیم به عشق سلطنت و از سر قدرت‌طلبی و آز دنیا طلبی نبوده است، بلکه برای آن بوده است که حقایق و نشانه‌های دین تو را برگردانده و اصلاح را در جامعه نمودار و ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌دیده تو احساس امنیت کرده و حدود تعطیل شده، اجرا شوند (فیض الاسلام، ۱۳۷۴: ۴۰۶، صبحی صالح: ۱۸۹، خ ۱۳۱).

نکته بسیار مهم این است که امام حسین (ع) در این مرامنامه، ایجاد امنیت را از جمله اهداف خود برای تشکیل دولت و حکومت می‌داند. پس اگر امام (ع) می‌خواهد حکومت را از چنگال یزید خارج کند برای آن است که در این حکومت، بندگان ضعیف خدا و مردم بیچاره امنیت ندارند و حق امنیت از آنان سلب شده است. این سخنان به امیرالمؤمنان (ع) نیز نسبت داده شده است.

امنیت نعمت بی‌بدیل الهی

قرآن کریم می‌فرماید: «لایلاف قریش ایلافهم رحلة الشتاء و الصيف فلیعبدوا ربّ هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف».

از برخی روایات به دست می‌آید که این سوره در تعقیب سوره فیل بوده و آن دو یک سوره‌اند (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۴۴۱).

بر این اساس، مضمون کلی این دو سوره این است: ما جریان شکست اصحاب فیل را پیش آوردیم تا قریشیان به حمایت و دفاع ما، از شهر مکه و خانه خود مطمئن شوند و آنان که در پناه ما جای گرفته‌اند، احساس آرامش کنند و گردهم جمع شوند و زمستان و تابستان برای کار تجارت به یمن و شام کوچ کنند. آنان باید به پاس این نعمت، پروردگار این خانه را پرستش کنند. همان خدایی که زمینه شکوفایی اقتصادی آنان را فراهم ساخت و از گرسنگی نجاتشان داد و احساس ناامنی آنان را تبدیل به امنیت کرد.

پس امنیت نعمتی است که خداوند وقتی آن را عنایت می‌کند از بندگان خود توقع سپاس و شکرگزاری دارد و از مردم می‌خواهد که به پاس آن موحد شوند و از شرک دست بردارند.

قرآن کریم در جای دیگر، موضوع امنیت را به عنوان منتی بزرگ بر مؤمنان تحت ستم و آزار کافران یاد کرده و می‌فرماید:

به یاد آوردید روزگاری را که گروهی اندک بودید و در زمین به استضعاف کشانده شده بودید و از اینکه مردمان شما را ربوده و آزار دهند، در ترس و وحشت به سر می‌بردید، سپس خداوند پناهتان داد و با نصرت خود یاریتان کرد و از پاکیزه‌ها روزیتان ساخت، شاید سپاس بگذارید» (سوره انفال، آیه ۲۶).

در این آیه موضوع امنیت پیش از اقتصاد و امور معیشتی مطرح شده، ولی در سوره ایلاف امر معیشت پیش از آن آمده است. شاید بتوان گفت اگر امنیت در حوزه مسائل داخلی منظور باشد، اقتصاد و اصلاح امر معیشت از پایه‌های امنیت داخلی و مقدم بر آن است؛ زیرا جرم و جنایت از صاحبان شکمهای گرسنه، کاری دور از انتظار نیست. مطابق حدیثی از نبی اکرم (ص): فقر انسان را تا مرحله کفر نزدیک می‌کند (قمی، ۱۳۷۳). ناامنی محیط مکه پیش از اسلام، بیشتر داخلی و بر اثر گرسنگی و فقر بود و همین امر بود که قبایل مختلف را به قتل و غارت یکدیگر وادار می‌کرد.

اگر امنیت در حوزه تهدیدات خارجی مورد نظر باشد، وضعیت معیشت مردم، چندان در آن تعیین کننده نیست، بلکه وجود امنیت و نبود تهدید خارجی، تأمین کننده زمینه

مساعد برای رشد و شکوفایی اقتصادی و مقدم بر آن است. قرآن کریم نیز ناامنی را از عوامل امتحان مؤمنان دانسته و می‌فرماید:

«و یقیناً شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کم شدن ثروتها و جانها و میوه‌هایتان می‌آزمایم و صابران را بشارت ده.» (سوره بقره، آیه ۱۵۵).

برخی از مفسران مقصود از محنتها و مصیبتها مذکور در آیه را در مورد مجاهدان دوره نخستین اسلام شمرده‌اند و آن را نوعی تمهید و آماده‌سازی برای آنان دانسته‌اند تا بر مصائب و سختیهای جنگ و جهاد شکبیا باشند و سستی و ضعف از خود نشان ندهند (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۳۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۲ هـ ق، ج ۱، ص ۳۴۳).

سپس روز قیامت از نعمتها از شما سؤال خواهد شد» (سوره تکاثر، آیه ۸).

حضرت صادق (ع) درباره این آیه کریمه فرمودند: «مقصود از نعمتها که در قیامت از انسان درباره آن سؤال می‌شود، امنیت و سلامتی و ولایت حضرت علی (ع) است» (مجلسی ۱۴۰۳ هـ ق، ج ۳۵، ص ۴۲۶).

در نگاه اول به این حدیث، دو احتمال در معنای آن می‌رود، نخست اینکه از انسان می‌پرسند آیا امنیت و سلامت ولایت علی بن ابی طالب (ع) را داشته‌ای یا نه؟ در این صورت، وظیفه فرد آن است که در صدد کسب هر یک از این سه چیز باشد. دیگر این سؤال می‌شود که با نعمت موجود ولایت، امنیت و سلامت چه کرده و چگونه از آن استفاده کرده‌ای؟

احتمال نخست به دو دلیل مردود است: اول آنکه، ظهور کلام «عن النعم» دلالت بر نعمت موجود دارد و اینکه با آن چه کردید؟ دوم آنکه، لحن آیه شریفه «ثم لتسئلن يومئذ عن النعم» پرسش مؤاخذه‌ای و تکلیفی است، در حالی که در بسیاری از موارد، سلامت و امنیت از قدرت و اختیار انسان خارج است. در این صورت، چگونه انسان بر کاری که خارج از توانایی و اختیار او است از سوی خداوند مورد مؤاخذه و سؤال واقع می‌شود؟ گذشته از این که اصل در موجودات و از جمله انسان بر سلامتی و حصول آن است و مرض، عارضی و خلاف جریان عادی است و بر این اساس، سؤال هم از همین نعمت موجود و چگونه برخورد کردن با آن است، نه کسب آن. وحدت سیاق هم، احتمال اول را در مورد دو امر دیگر نیز منتفی می‌سازد.

بنابراین، معنای دوم در روایت تقویت می‌شود و بر این اساس مسئولیت انسان در برابر این نعمتها به دو گونه است: یکی از جهت پاسداشت و حفاظت از آن و دیگری کیفیت بهره‌برداری و بر خورد با آن.

رسول اعظم خداوند (صلی الله علیه و آله) در کلامی نورانی در همین راستا می‌فرماید:

هر کس صبح و شب را سپری کند و سه چیز داشته باشد نعمت دنیا برای او تمام و کامل است: هر کس صبح و شب را سپری کند در حالی که بدنش از عافیت برخوردار است، زندگی با امنیتی داشته و خوراک روزانه را داشته باشد، البته اگر چهارمی هم داشته باشد دیگر نعمت در دنیا و آخرت بر او تمام شده و آن ایمان است (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۳۱۸).

این احادیث علاوه بر امنیت ظاهری به امنیت درونی که همان آسودگی خاطر است نیز توجه کرده است. حدیث گویا می‌خواهد بفهماند که امور چهارگانه مذکور در روایت بسیار مهم‌اند، ولی این چنین نیست که با اجتماع این امور، الزاماً آسودگی خاطر و رفاه روحی نیز حاصل شود. چه بسیاری کسانی که با وجود داشتن و برخورداری از آنها باز هم از امنیت خاطر بی‌بهره‌اند و در نگرانی به سر می‌برند؛ بنابراین، گذشته از آن، لازم است از سلامت روحی و طمأنینه نفسانی و ایمانی نیز برخوردار باشد تا خاطری آرام داشته باشد، لذا از این نگاه، خود یک امر مستقل و جداگانه محسوب می‌شود.

برای بیان جایگاه و اهمیت امنیت به حدیثی دیگر که از امیرمؤمنان (ع) نقل شده است، توجه بفرمایید:

«هنگامی که خداوند صبر قوی آنان را در برابر اذیتهای به خاطر محبت الهی و تحمل سختیها و ناراحتیها را به خاطر خوف از خدا دید، مشکلات و تنگنای آنان را گشود و ذلت آنان را تبدیل به عزت و ترس آنان را تبدیل به امنیت کرد (و در سایه این عزت و امنیت) آنان به مُلک، حکومت و امامت و بزرگی رسیدند» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۷۵: ۱۵۷۰).

حضرت امیر (ع) مردم را به تأمل در احوال مؤمنان در گذشته دعوت می‌کند که در شدیدترین و دشوارترین وضعیت به سر می‌بردند و از هر سو عوامل ترس و پریشان

حالی و تلخ‌کامی به جانب آنها روی آورده بود و آنان با صبر و متانت و بردباری آن را پشت سر گذاشته بودند. در کلام حضرت، حصول امنیت، به عنوان پاداشی برای جهاد و صبر آنان معرفی شده است و خود‌گویای اهمیت بسیار و جایگاه عالی آن از منظر الهی و در نگاه امیرمؤمنان است.

همچنین آن حضرت فرموده‌اند: «النعيم في الدنيا الأمن و صحة الجسم، و تمام النعمة في الآخرة دخول الجنة» (مجلسی، ج ۸۱: ۱۷۰؛ محمدی ری شهری ج ۴: ۳۳۱۲).
نعمت در دنیا امنیت و سلامتی جسم است و تمام نعمت در آخرت وارد شدن به بهشت است.

حضرت نعمت دنیا را همین دو چیز می‌شمارند؛ نه اینکه دیگر چیزها نعمت نیست، بلکه نعمتی به اهمیت این دو به بشر داده نشده است.

غفلت از نعمت امنیت و ناسپاسی آن

جمله‌ای منسوب به پیامبر اعظم مشهور است که: «نعمتان مکفورتان: الأمن و العافية»؛ سپاس دو نعمت بجا آورده نشده و مورد ناسپاسی واقع شده‌اند: امنیت و عافیت (الصحيفة السجادية: ۷۹، دعای ۳۵).

پزشکان می‌گویند نشانه سلامتی یک عضو آن است که انسان به وجود آن در خود توجه نداشته باشد. وقتی آن عضو به درد می‌آید وجود آن را احساس می‌کند و همین احساس، نشانه مریضی اوست. پس انسان گرچه به طور اجمال می‌داند که مثلاً دارای معده، کلیه، قلب، مثانه و... است ولی نگاه تفصیلی به آن نداشته و از آن غافل است، وقتی از ناحیه آن عضو احساس درد و رنج می‌کند وجود آن را در خود احساس می‌کند.

صحت و امنیت از همین مقوله‌اند، زیرا اگر چه انسان در حال سلامتی و امنیت اجمالاً به آن واقف است، ولی این دانستن غالباً در هاله‌ای از غفلت و بی‌خبری و در نوعی از جهل پنهان می‌ماند. انسان از دو راه به وجود و ارزش فوق‌العاده آن به روشنی پی می‌برد، یکی از باب «تعرف الاشياء باضدادها» وقتی به ضد آن گرفتار می‌شود، و دیگری زمانی که با تلقین و تبلیغ و توجه دادن مستمر، به وجود و حضور آن متوجه شود.

عدم توجه کافی به این دو نعمت گرانبها خسارات سنگینی بر جامعه در پی دارد؛ زیرا بی‌اطلاعی و احساس نکردن نعمت، موجب می‌شود تا جامعه نسبت به آفات و عوامل مخّل و مزاحم آن حساسیت لازم را نداشته باشد و در پاسداری از آن سستی به خرج دهد. این بی‌توجهی و عدم مراقبت، خود نوعی ناسپاسی در برابر نعمت خداوندی محسوب شده و موجبات سلب و یا تضعیف آن را فراهم خواهد ساخت.

سخن امام سجاد (ع) نیز همین معنا را تاکید می‌کند؛ آنجا که حضرت می‌فرماید:

«ولم یهنی الخوف فأعرف فضل الامن»

خدایا مرا خوف و ناامنی ضعیف و ناتوان نکرده تا قدر امنیت را بدانم.

امنیت از ویژگیهای شهر خوب

ذکر یک چیز و همراه کردن آن با وصفی خاص، اعتنا و اهمیت بسیاری است که آن وصف برای گوینده آن از بین سایر اوصاف دارد. خداوند در قرآن کریم وقتی برای بیان آفرینش استثنایی انسان و خلقت ویژه او به اموری قسم یاد می‌کند، در نهایت، شهر مکه را در این ردیف آورده و آن را با ویژگی امنیت همراه می‌کند (عنکبوت، ۶۷؛ قصص، ۵۷؛ ابراهیم، ۳۷ و بقره، ۱۲۵ و ۱۲۶). این ویژگی برای شهر مکه در آیات دیگر ذکر شده است (بقره، ۱۲۵). و این خود بیانگر نقش یگانه و ضرورت وجود امنیت برای زندگی جمعی و حیات مادی و معنوی بشر است. لذا بنیانگذار خانه توحید، به عنوان معمار بیت الله، بهترین خواسته خود از خداوند درباره شهر مکه در آیات دیگر نیز ذکر شده است (بقره/۱۲۵). و این خود بیانگر نقش یگانه و ضرورت وجود امنیت برای زندگی جمعی و حیات مادی و معنوی بشر است. لذا بنیانگذار خانه توحید، به عنوان معمار بیت الله، بهترین خواسته خود از خداوند درباره شهر مکه و بایسته‌ترین چیز برای آن را امنیت دانسته و آن را مهم‌ترین مطالبه خود از خداوند قرار داده و آنگاه معیشت فراخ را برای اهل آن طلبیده است (سوره یوسف، آیه ۹۹).

قرآن کریم جریان ورود حضرت یعقوب و همسر و فرزندان بر فرازند مصیبت کشیده و به دولت رسیده خود، حضرت یوسف را بیان کرده و می‌فرماید:

آنگاه که آنان بر یوسف وارد شدند، پدر و مادر خود را مأوی داد (و زیر چتر حمایت

ویژه خود گرفت) و به همه آنان گفت: بر شهر مصر وارد شوید که به خواست خداوند در امنیت خواهید بود» (سوره سبأ، آیه ۱۸).

در این بخشها حضرت یوسف، خطاب به پدر و مادر و برادران خود مصر را مکانی امن برای ایشان دانسته و امنیت آنان را تضمین کرده است.

ما میان آنان و مناطقی که برکتهای خود را در آن نازل کرده بودیم قریه‌هایی به صورت پی در پی و زنجیره‌ای قرار داده بودیم و حرکت در آن را اندازه‌گیری کرده بودیم و گفتیم در آن شبها و روزها را پیمایید در حالی که در آرامش و امنیت خواهید بود» (سوره نحل، آیه ۱۱۲).

این آیه درباره اهل سبا آمده است که در یمن به سر می‌بردند و با مسافرتها پی در پی به سوی شام، به کار تجارت و سیاحت و غیر آن می‌پرداختند و در مقام بیان منت خود به آنان، امنیت را ذکر کرده است.

در این آیه به امنیت پایدار اشاره کرده است و این که در تمام روزها و شبهایی که در این مسیر طی می‌شد، امنیت و آرامش حاکم بود و این گونه نبوده است که روزی چنین باشد و روزی غیر آن و یا منطقه‌ای دارای آن باشد و جای دیگر فاقد آن. این نکته‌ای است که توجه به آن در سیاستهای کلان امنیتی کشور بسیار مهم است و امنیت در تمام ابعاد جانی، مالی و... وقتی آثار خود را نشان می‌دهد که قابل اعتماد و پایدار و مستمر باشد. تزلزل و ناپایداری در امنیت ناکامی و بی‌اعتمادی به بار خواهد آورد و به سرمایه‌گذاریها و برنامه‌ریزیهای بلند مدت در ابعاد مختلف لطمه‌ای جدی وارد خواهد کرد. و نیز قرآن مجید می‌فرماید:

«خداوند قرائی را مثال می‌زند که در امنیت و استقرار به سر می‌برد و فراخوانی معیشت از هر ناحیه به سویشان روی آورده بود. سپس آنان به نعمتهای خداوند کفران ورزیده و ناسپاسی کردند. خداوند نیز به جهت کارهای ناروایشان به لباس ترس و گرسنگی دچارشان کرد» (طبرسی، ج ۶: ۳۸۹).

نکاتی در آیه قابل توجه است:

۱- در آیه کریمه پس از صفت امنیت، اطمینان آمده است و در معنای آن گفته‌اند: محل استقرار و سکونت مردم آن است و اهل آن نیازی به انتقال از آن به جای دیگر به

جهت احساس ناامنی و گرسنگی ندارند". (همان، ج ۶: ۳۹۰) و این نکته نشان می‌دهد که از عوامل مهم در باب مهاجرتها و توسعه بی‌رویه شهرهای وجود ناامنی و عقب‌ماندگی اقتصادی در مناطق مختلف است و به ویژه مسئله امنیت نقش عمده‌تری دارد؛ زیرا ممکن است مردم با درآمد کم قناعت کرده و تحمل کنند ولی وجود ناامنی و مخاطره جانی برای هیچ کس قابل تحمل نیست و به سرعت مناطق ناامن را از وجود ساکنان آن خالی می‌کند.

۲- امنیت و رونق اقتصادی از نعمتهای بزرگ الهی‌اند که سپاسگزاری و شکر لازم دارد و یقیناً شکرگزاری از آن، تنها از طریق زبان حاصل نمی‌شود. شکر عملی آن هم به پاسداری و استفاده بهینه از آن در جهت خدمت به خلق و ارتقای معنویت و رفاه عمومی و مهم‌تر از آن، پیشگیری از غفلت‌زدگی و شیوع فساد و گناه در جامعه است، و در غیر این صورت کفران نعمت شده و خود عامل عمده سلب آن است.

۳- در آیه کریمه از گرفتاری مردم آن منطقه به گرسنگی و ناامنی پس از برخورداری از آن به لباس تعبیر شده است؛ زیرا همچنان که مرحوم طبرسی فرموده است اثر گرسنگی و ترس مانند لباس بر انسان ظاهر می‌شود. (بقره، آیه ۱۲۶) فقر و خوف از اموری‌اند که به سرعت و شدت، آثار زیانبار خود را بر فرد و جامعه تحمیل می‌کند و پریشانی و ناتوانی و درماندگی با شتاب هر چه بیشتر، خود را نشان می‌دهد.

امنیت، خواسته مؤمن از خداوند

دعاهای رسیده از معصومان (ع) این ویژگی را دارد که در آن مصالح واقعی و نیازهای حقیقی و قطعی بشر مطرح و از خداوند طلب شده است و نیز به مفاسد و زیانهای جدی او توجه و از آن پرهیز داده شده است. ما در دعاها خواهیم توانست به مطالبات حقیقی انسانها و جامعه بشری پی برده و بر اساس آن برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کنیم. امنیت مقوله‌ای است که در بسیاری از دعاها در ردیف نخست مطالبات بنده از خداوند قرار گرفته است.

حضرت ابراهیم (ع)، اولین خواسته خود از خداوند در خصوص شهر مکه را امنیت برای آن قرار داد و این گونه از او طلب کرد و آنگاه که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این شهر

را امن قرار ده و مردم آن را از میوه‌ها روزی ده، آنان که به خدا و قیامت ایمان آوردند» (مجلسی، ج ۸۷: ۶۵).

خواسته آن حضرت از خداوند خواه جعل تکوینی باشد و خواه جعل تشریعی، نشان از اهمیتی است که آن بزرگوار برای موضوع امنیت قائل است. از امام حسن (ع) نقل شده است که رسول گرامی (ص) بین دو رکعت اول نماز ظهر می‌خواندند: «پروردگارا! از تو گشایش و راحتی و امنیت و کفایت و سلامت، خواهانم» (همان، ج ۸۶: ۶۵). در مورد این دعا ممکن است اشکال شود که مقصود از 'امن' در این کلام، امنیت از خطرهای آخرت است.

پاسخ این است که گرچه واژه 'امن' دارای اجمال است، ولی وحدت سیاق در دعا قرینه بر این است که مقصود از آن، امنیت جانی از خطر دشمن است، زیرا سایر خواسته‌هایی که در این ردیف آمده است، ظاهر در نعمتها و مصادیق دنیوی آتند. امیرمؤمنان در تعقیب نماز ظهر می‌خواندند: «اللهم لاتدع لی ذنباً الا غفرته و لا خوفاً الا آمنت»؛ بار خدایا! هیچ گناهی را جز آن که ببخشی و هیچ ترس و وحشتی را مگر آنکه مرا از آن ایمن‌سازی برای من باقی مگذار» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۶).

البته سیاق واحد دو بخش از دعا اقتضا می‌کند که مقصود از خوف در بخش دوم مربوط به امور آخرت باشد و امنیت این جهانی را که مورد بحث ماست شامل نباشد و مؤمن از خداوند می‌طلبد که او را از آن چه مایه نگرانی او نسبت به عذابهای برزخی و عالم قیامت است برهاند، ولی ممکن است بگوییم: از این جهت که جمله 'و لا خوفاً نکره و در سیاق نفی است ظهور در عموم دارد و تخصیص آن نیاز به قرینه‌ای قوی‌تر از ظهور عام دارد و این اقوی بودن یا به نص است یا به اظهر بودن و وحدت سیاق. در جایی که جمله‌ای ظهور در معنایی داشته باشد و جمله بعد ظاهر در معنایی نباشد، قرینه بر ظهور پس از آن است و در جایی که آن جمله نیز در معنایی ظاهر باشد، در صورتی وحدت سیاق مقدم می‌شود که ظهور او قوی‌تر باشد، در حالی که، در این جمله‌ها این گونه نیست و عمومیت بخش اخیر منافاتی با مفاد فراز پیش ندارد.

دعای مخصوص حضرت سجاد (ع) درباره مرزبانان و مجاهدان (سوره فتح، آیه ۲۷) و توجه و دقت در بخشهای آن، نشان اهتمام خاصی است که پیشوایان دین به

موضوع امنیت و ضرورت وجود آن برای حیات مادی و معنوی جامعه از خود بروز داده‌اند.

امنیت وعده الهی به پیامبر (ص) و مؤمنان

رسول اکرم (ص) پیش از جریان حدیبیه در خواب دید که خود و اصحابش در کمال امنیت وارد مکه شدند و به انجام مناسک پرداختند ولی در آن سال آن رویا محقق نشد.

قرآن کریم وعده عملی شدن آن را به پیامبر اکرم می‌دهد و می‌فرماید:

«به یقین خداوند آنچه در خواب به پیامبرش نمایاند، راست و حق است که قطعاً شما به خواست خداوند وارد مسجدالحرام خواهید شد در حالی که در امن بوده و سرهای خود را تراشیده و تقصیر می‌کنید و از گزند مشرکان خوفی نخواهید داشت، پس او به آنچه شما نمی‌دانستید آگاه بود و پیش از ورود به آن، فتحی نزدیک (فتح خیبر) برایتان مقرر ساخت» (طبرسی، ج ۹: ۱۲۷).

این وعده الهی در سال آینده آن عمل پوشید و پیامبر اکرم (ص) همراه با یاران خود در ماه ذی‌القعدة سال هفتم هجری بی آنکه از سوی مشرکان کوچک‌ترین گزندی به او و یارانش برسد وارد مکه شدند و طی سه روز اقامت در آن شهر در کمال امنیت مناسک عمره را که به عمره‌القضا معروف است به جای آوردند و سپس پیروزمندانه از آن خارج شدند و مدینه بازگشتند.

در این سفر، امنیت همه جانبه مسلمانان، در شهری که ناامن‌ترین نقطه برای آنان به حساب می‌آمد و در اثر همین آزار و شکنجه‌های طاقت فرسای قریش بود که مسلمانها مجبور به هجرت شدند بزرگ‌ترین نعمت خداوندی برای آنها به شمار می‌رفت که برای همگان جالب و دیدنی بود. نوشته‌اند: زنان و مردان و کودکان گرد هم آمده بودند و ورود شکوهمند رسول خدا (ص) و یارانش و طواف آنان را نظاره‌گر بودند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

اهمیت امنیت و تأمین آن از نظر امام خمینی (قدس سره)

در کلام امام خمینی (ره) سخنانی می‌توان یافت که بر حفظ و امنیت حریم خصوصی

انسانها تأکید شده است. امام خمینی (ره) در فرمانی که در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ خطاب به قوه قضاییه و دیگر ارگانهای اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها صادر کرده، درباره عدم دخالت در حوزه خصوصی و امنیت شهروندان و آزادیهای شخصی و فردی آنها و به ویژه امنیت قضایی به مواردی تصریح می‌کند که گویای دیدگاه و اندیشه ایشان در مناسبات امنیت و آزادی است. در این نامه، به دولت و کارگزاران حکومتی دستور می‌دهد که امنیت در حوزه خصوصی افراد را به دلیل لزوم اسلامی کردن تمام ارگانهای دولتی به ویژه دستگاه‌های قضایی و لزوم جانشین شدن احکام‌الله در نظام حکومت اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم سابق رعایت کنند. پاره‌ای از بندهای نامه مذکور، که به فرمان هشت ماده‌ای نیز مشهور شده است، به اختصار عبارتند از:

- ۱- احضار و توقیف افراد بدون حکم قاضی که بر اساس موازین شرعی است، جایز نیست و تخلف از آن موجب تعزیر می‌شود.
 - ۲- تصرف در اموال منقول و غیرمنقول افراد، بدون حکم شرعی، مجاز نیست. ورود به مغازه و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحبان آنان برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه، ممنوع است.
 - ۳- شنود تلفن‌ها و استماع ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم جایز نیست. علاوه بر این تجسس درباره گناهان دیگران و دنبال کردن اسرار مردم ممنوع و فاش کردن اسرار آنان جرم و گناه است.
 - ۴- تجسس در صورتی که برای کشف توطئه و مقابله با گروه‌های مخالف نظام اسلامی که قصد براندازی دارند و کار آنها مصداق افساد در زمین است انجام شود، مجاز است. البته در صورت جواز تجسس می‌بایست ضوابط شرعی رعایت شود و یا با دستور دادستان باشد، زیرا تعدی از حدود شرعی است.
 - ۵- هنگامی که مأموران قضایی از روی خطا و اشتباه وارد منزل و محل کار شخصی و خصوصی افراد شوند و با آلات لهو، قمار، فحشا و مواد مخدر برخورد کردند، حق ندارند آن را افشا کنند.
- هیچ کس محق نیست حرمت مسلمانان را هتک کند.

و نیز فرمودند:

«باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است. احساس آرامش و امنیت کنند و قوای نظامی، انتظامی، سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور بدانند و این امور بر عهده همگان است و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت است و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است». (صحیفه نور، ج ۱۷: ۱۴۲) پیام هشت ماده‌ای به قوه قضاییه و ارگانهای اجرایی).

موارد مذکور گویای نظر صریح و مکتوب امام خمینی (ره) درباره حقوق مردم در حوزه خصوصی و شخصی است. در موارد برشمرده شده، مردم از امنیت و آزادی برخوردار هستند و حتی با احکام قضایی نیز این امنیت و آزادی سلب شدنی نیست، مگر در موارد مشهود و نیز مواردی که ضوابط شرعی و قانونی در آنها به طور کامل لحاظ شود.

شاخصه‌های امنیت و راهکارهای ایجاد آن از نظر امام خمینی (قدس سره)

الف) اطمینان بخشیدن به مردم
جلب اعتماد کامل مردم و اطمینان بخشیدن به آنان و ایجاد فضای امن، بالاترین مرتبه خدمت نیروی انتظامی است. اساساً فلسفه وجودی نیروی انتظامی آرامش بخشیدن به آحاد جامعه است تا آنان با خیال آسوده به فعالیت بپردازند.

امام اندیشمند ما خطاب به عزیزان نیروی انتظامی می‌فرمودند:

«لکن ما باید توجه داشته باشیم که به مردم اطمینان بدهیم، اطمینان خاطر بدهیم. مردم صبح وقتی از خانه بیرون می‌آیند بفهمند که نه، اینجا همه چیزشان محفوظ است، هم دیانتشان محفوظ است و هم دنیایشان محفوظ است و هم بازارشان محفوظ است. این طور نباشد که وقتی که می‌آیند با دلهره بیرون بیایند. الان شما باید کاری بکنید که تمام اینها برگردد به یک حال طمأنینه، به یک حال آرامش، وقتی کشوری آرامش داشته باشد، از حیث قلبش مطمئن باشد آرامش خاطری پیدا می‌شود و این آرامش خاطر از همه نعمتها بالاتر است. این اطمینان از همه نعمتها بالاتر است. انسان ممکن است که

صد تا پارک داشته باشد، لکن اطمینان خاطر نداشته باشد شماها باید کاری کنید که مردم دلهره نداشته باشند که آیا ما حالا از خانه که بیرون آمدیم پاسدارها چه خواهند کرد با ما، پاسبانها چه خواهند کرد، توی خانه که هستیم چه خواهد شد. اطمینان به مردم بدهید، وقتی اطمینان به مردم دادید، هم دنیای شما اداره می‌شود و هم آخرت شما اداره می‌شود» (امام خمینی، ج ۱۴، ۲۳۷).

ب) احترام به مال و آبروی مردم و حفاظت از آن

در حکومت اسلامی مال، جان و آبروی مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و شارع مقدس به هیچ قیمتی حاضر نشده است که عرض و مال مردم مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد. در فقه اسلامی، مال مؤمن مانند آبروی مؤمن دانسته شده و حفظ و نگهداری آن را بر عهده حکومت اسلامی و کارگزاران آن گذاشته شده است. نیروی انتظامی کارگزار مستقیم و مسئول حفظ مال و آبروی مردم است (امام خمینی، ج ۶، ۲۶۳).

در هر صورت، تمام قطبهای اسلام را باید ما ملاحظه بکنیم؛ هم آن جهاتی که نباید پاسدار و پاسبان و این‌طور چیزها به مردم تعدی بکنند و نباید آنها هم خیال بکنند که حالا که این‌طور شد، پس ما هر کاری دلمان می‌خواهد بکنیم.

نخیر، این‌طور نیست، هر نحو فسقی باشد، به شدت باید دولت با او عمل کند و پاسدارها و پاسبانها و اینها مامورند به اینکه به آنها شدت کنند. اگر کسی آمد و نهی کردند، او نکرد، باید او را بگیرند و تحویل بدهند.

ج) حفظ حریم مردم و مبارزه با مظاهر فساد

در ادامه همین بیان امام فرموده‌اند: «از آن طرف هم در داخل خانه‌های مردم بخواهند یک وقت بروند، ببینند توی خانه چه می‌گذرد، آن هم نباید بشود؛ اما اگر معلوم شد که این یک عشرتکده‌ای درست کرده مثل سابق، معلوم شد که این میکده‌ای درست کرده، یک محل قماری درست کرده و امثال ذلک، اینها ممنوع باید باشد و هرگز نمی‌شود اینها را غمض عین کرد که حالا وقتی این‌طور شد، آنهایی که قمارباز بودند حالا دوباره جمع بشوند و خانه قماربازی درست کنند. اگر توی خانه خودشان، مثلاً یک کاری کردند، ما

نمی‌رویم، تفتیش نکنیم. اما مرکز اگر درست بکنند و بخواهند در یک مرکزی یک همکاری‌هایی انجام بدهند یا یک خانه‌ای را اختصاص به این مسئله بدهند، این نه، این بر خلاف اسلام است، باید جلویش گرفته شود.»

د) تعامل با سایر قوای مسلح برای ایجاد امنیت

امام (ره) معتقد بودند که قوای انتظامی باید در شرایط خاص و بحرانی با سایر قوای مسلح در تعامل باشد. هم این نیرو، در صورت نیاز آنان به آنان کمک کند و هم در مواقع ضروری از آنها کمک بگیرد:

«مهم این است که ما همه‌مان و هر فردی خودش را مکلف بداند به اینکه باید حالا خدمت بکند. یک وقت مثلاً بود که ما می‌گفتیم ما چه کار داریم به اینکه مرزها چه است. این با ارتش است. خوب، حالا ارتش خودش است خوب، شما می‌گفتید ما چه کار داریم که در داخل شهر، بین شهرها چه می‌شود ژاندارمری این کار را بکند. ژاندارمری می‌گفت من چه کار دارم که داخل شهر چه می‌شود، این را باید شهربانی بکند. هر کدام به عهده دیگری واگذار می‌کردند. البته در مواقعی که مواقع عادی است مسئله همین‌طور است، هر رشته از اینها مأمور یک خدمت هستند؛ اما در مواقعی که غیر عادی است مطلب، عادی نیست، مثلاً فرض بفرمایید که جلوگیری از خرابکاریهایی که در قشر زراع و قشر دهقان می‌شود، این را ژاندارمری باید جلویش را بگیرد. اما وقتی که شما دیدید که کشور به خطر می‌افتد، ارتش به کمک ژاندارمری برود، ژاندارمری کمک کند به ارتش، سپاه هم کمک کند به اینها که نگذارند این ناامنی بشود» (امام خمینی، ج ۷: ۴۳۵، ۴۳۴).

ه) همگامی با مردم در ایجاد نظم و امنیت

آن حضرت در بیانی خطاب به دلاوران حافظ امنیت می‌فرمایند:

«و اینکه مردم را از خودتان بدانید، و خودتان را هم از مردم بدانید الان وضع این‌طوری است. این‌طور نباشد که ملت خودش را از شما جدا ببیند. از قوای انتظامی جدا ببیند، قوای انتظامی هم خودش را از مردم جدا ببیند. این جداییها اسباب این می‌شود که

تزلزل پیدا شود. و هر چه با هم مجتمع‌تر باشید، طمأنینه بیشتر حاصل می‌شود، و به مقصد زودتر می‌رسید» (همان، ج ۱۱: ۴۴).

ایجاد طمأنینه در واقع ایجاد آرامش و امنیت همه جانبه است. در همین زمینه در بیانی دیگر امام (قدس سره) می‌فرمایند:

«شما می‌دانید که وضع شما و تمام عزیزانی که در سرتاسر کشور برای نظم شهر ما مشغول فعالیت هستند با زمان طاغوت فرق دارد... شما امروز قوای انتظامی مملکت اسلامی هستید، و رهبر همه شما و همه ما، وجود مبارک بقیه الله است. باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را - که رضایت خداست - به دست بیاوریم. شما در سرتاسر کشور با تعهد باید از داخل، شهرها را حفظ کنید. امروز با شما ملت هم موافق هستند و پشتیبان شما هستند و شما به پشتیبانی ملت می‌توانید که این شرارتهایی که گاهی در سطح شهرها می‌شود جلوییش را بگیرید با نصیحت، و الا با قدرت» (همان، ج ۱۴: ۱۴۰ و ۱۴۱).

از نگاه امام، از مردم که باشیم، مردم با دید مثبت به ما می‌نگرند و با ما موافق‌اند و از ما حمایت می‌کنند و این خود بزرگ‌ترین پشتیبان به حساب می‌آید. نیرویی که در خدمت جامعه بود و مورد حمایت مردم قرار گرفت، می‌تواند بسیاری از مشکلات را به راحتی حل و فصل کند.

توصیه‌های امام خمینی (قدس سره) به حافظان امنیت

آنکه می‌خواهد با ناامنی مبارزه کند خود باید درونی امن و به دور از ناپاکی و شرارت داشته باشد. نیروی انتظامی برای سالم ماندن از آفات، باید دست به خودسازی بزند. شیطان همواره در کمین است و برای هر کسی هم به تناسب مسئولیت او دام مناسب دارد. پس باید برای موفقیت و نجات از دام شیطان با خواسته‌های نفسانی مبارزه کرد و جان را تطهیر کرد. «اما امروز که ما در رژیم اسلامی هستیم و شما هم قوای اسلامی هستید، کلانتری اسلامی هستید، اگر خدای نخواست، یک لغزش برای ماها و برای شماها پیدا بشود، این به حساب جمهوری اسلامی ثبت می‌شود، و آنهایی که با این نهضت مخالف‌اند، دنبال این هستند که از ما، از شما، از جوانهای ما، یک لغزش ببینند، و

آن لغزش را پای جمهوری اسلامی حساب کنند. و با هیاهو و بوق و کرنا، راجع به جمهوری اسلامی کارشکنی کنند» (همان، ج ۱۱: ۴۴).

در این فراز از کلام امام (ره) بر نکته قابل توجهی تکیه و تأکید شده است. بهترین روش خدمت به جامعه توسط نیروهای انتظامی و پلیس، در توصیه‌ها و پیامهای امام (ره) وجود دارد. در این پیام حضرت امام تأکید دارند که نیروی انتظامی پاکی خود را حفظ کند تا مبدا شیطان و دشمن از آلودگی این نیرو سوء استفاده کند.

از امام صادق (ع) از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل فرمودند: بعد از جنگی که یاران او برگشتند، حضرت فرمود: «مرحبا به قومی که جهاد اصغر را پشت سر گذاشتند و بر شما باد به جهاد بزرگتر! سؤال کردند: جهاد بزرگتر چیست، یا رسول الله؟ حضرت فرمودند: جهاد با نفس و مبارزه با نفس اماره» (همان، ج ۱۱: ۴۴).

اصلاح نفس تنها راه انجام وظیفه به طور سالم است. به طور مسلم تا خویش را اصلاح نکنیم و احساس مسئولیت نکنیم، وظیفه خود را به طور صحیح به انجام نخواهیم رساند و دچار مشکل خواهیم بود.

امام خمینی (ره) خطاب به نیروهای کمیته سابق فرموده‌اند:

«تا ما خودمان را اصلاح نکنیم نمی‌توانیم بگوییم که ما یک اشخاصی هستیم که برای خدا داریم کار می‌کنیم، می‌خواهیم اصلاح کنیم مردم را. تا آقا خودشان صالح نباشند، نمی‌توانند دعوت به صلاح بکنند. کسی که خودش خدای نخواستہ پایش را کج می‌گذارد اگر به مردم بگوید پایت را راست بگذار مسخره‌اش می‌کنند، می‌گویند اگر پا راست گذاشتن صحیح بود خودت بگذار! اگر شما، که پاسدارید و مدعی هستید که ما پاسداری خدمت می‌کنیم، به اسلام می‌خواهیم خدمت کنیم، اگر خدای نخواستہ همان‌طور که در رژیم سابق گاهی می‌ریختند منزل یک کسی و اثاثش را می‌بردند، زن و بچه‌اش را به زحمت می‌انداختند، اگر حالا هم از شما خدای نخواستہ یک همچون چیزی صادر بشود، و دیگران جلوی‌اش را بگیرند و تربیتش نکنند، نه‌بیش نکنند، این حربه را به دست دشمن ما می‌دهد و می‌گوید پاسدارها این جور می‌اند نمی‌گوید آن یکی چنین آدمی بود.

الان مکلفیم ما، مسئولیم همه‌مان، همه‌مان مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان، مسئول کارهای دیگران هم هستیم، کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ، همه باید نسبت

به هم رعایت بکنند. همه باید نسبت به دیگران. مسئولیت من هم گردن شماست؛ مسئولیت شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم شما مسئولید اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی؟ باید هجوم کنید، امت باید نهی از منکر بکند؛ امر به معروف بکند» (همان، ج ۸: ۴۸۷).

اهمیت امنیت و وظیفه نیروی انتظامی در این رابطه در کلام مقام معظم رهبری

رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای یکی از اولویتهای مهم دولت جمهوری اسلامی را تأمین امنیت دانسته و خطاب به رشید مردان نیروی انتظامی که وظیفه‌دار تأمین امنیت هستند می‌فرماید:

«مسئله نیروی انتظامی، البته یک مسئله اساسی و مهم است. اگر ما بخواهیم ضروریات زندگی بشر را در فصول عمده خلاصه کنیم و مثلاً به دو فصل، سه فصل و حداکثر به چهار فصل برسیم، یک فصل از این چند فصل، فصل "امنیت" است. بدون امنیت، نه خوراک لذتی می‌بخشد، نه خانواده انسی ایجاد می‌کند و نه شغل و درآمد فایده‌ای می‌دهد. امنیت که نبوده هیچ چیز نیست امنیت، مثل هوا برای انسان، به طور مستمر لازم است. اگر جامعه امنیت نداشته باشد، حالت اختناق پیدا می‌کند؛ مثل مجموعه‌ای که هوا در اختیار نداشته باشد. این، اهمیت امنیت است. امنیت هم متعلق به همه است. (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی ۲۶ / ۴ / ۱۳۷۲)

و نیز مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«شما برادران نیروی انتظامی، هر چه از لحاظ اقتدار و سرپنجه قدرتمندی که بتواند عناصر مخل امنیت را در کشور تعقیب بکند، و نیز از لحاظ اخلاق و شرافت و نجابت و امانت و پاکدامنی، بر کیفیت خودتان بیفزاید، کار زیادی نشده است... نیروی انتظامی، باید پناه دل‌های خائف و ترسان و جانمایی که احساس می‌کنند از سوی یک انسان یا جمع و مجموعه‌ای تهدید می‌شوند، باشد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی انتظامی، ۲۵ / ۴ / ۱۳۷۶).

توصیه‌های مقام معظم رهبری به حافظان امنیت

«نکته دیگری که بر آن، برای همه نیروی انتظامی تأکید می‌کنم، این است که در درون نیرو، به صحت عمل و درستکاری و امانت، حداکثر اهمیت را بدهید. امروز، مردم شما را امین می‌شمارند. در دوران انقلاب، نیروهای انتظامی، امین مردم‌اند. باید به وظیفه این امانت، به طور کامل عمل کنید. آن کسانی که خدای نکرده در این کسوت مقدس، به خلاف مقتضای امانت عمل می‌کنند، باید وجدانشان به شدت سرافکنده باشد. در لباسی که مردم از آن، تأمین امنیت خود را می‌جویند، اگر کسی زندگی مردم را ناامن کرد، اگر وجدان دارد، باید وجدانش به شدت آزرده شود و اگر احساس آزردگی وجدان نمی‌کند، دستگاه‌هایی که مسئول‌اند، باید با چنین موجودی برخورد کنند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۴/۲۵).

و به جهت جایگاه خطیر این نیرو و نگرانی از لغزش نیروهای آن، مقام معظم رهبری در دیداری خطاب به آنان می‌فرمایند:

«اگر یک مورد احساس کردید که در گوشه‌ای از کشور مسئولی در نیروی انتظامی هست که به وظیفه خود عمل نمی‌کند، به سراغش بروید و کارش را دنبال کنید. اگر کوتاهی دیدید، حتماً این کوتاهی - قصور یا تقصیر - را پیگیری کنید. اگر خدای نکرده از کسی تخلف یا خیانتی دیدید، هیچ اغماض نکنید یکی از جاهایی که نباید اغماض بشود، این جاست. اگر خدای نکرده کسی در دستگاهی که مردم چشم امید به این دارند که در مقابل متخلف و تهدید کننده آسایش و امنیت مردم بایستد، احساس تخلف بکند و خدای نکرده تعرضی به امنیت مردم از درون آن جا بشود، این گناه خیلی بزرگی است. نباید اغماض بشود، تا نیروی انتظامی همان چیزی بشود که نظام اسلامی لازم دارد؛ یعنی مقتدر، سربلند، عزیز، با عطاوت و رحمت، حاضر در همه نقاط. در مقابله با کسی که زندگی و امنیت مردم را تهدید می‌کند، سرسخت، شجاع، پیگیر، در مقابله با کسی که تهدید می‌شود، رحیم و عطاوت و مهربان؛ مثل پدر و برادر. اگر این‌طور شد، کشور در یک بستر راحتی از امنیت قرار می‌گیرد و همه می‌توانند کارها و وظایف خودشان را انجام بدهند (منبع پیشین).

نتیجه‌گیری

ضرورت وجود نعمت بی دلیل امنیت در جامعه بر کسی پوشیده نیست و ما که داعیه دینداری و محوریت جامعه خود را اسلام می‌دانیم، باید جهت حصول این نعمت بزرگ الهی تلاش فراوانی کرده و هر چه را که برای حصول این مهم لازم است کسب کنیم، و زمینه آن را فراهم سازیم، و با توجه به عنوان و موضوع مقاله که اهمیت امنیت در اسلام است، باید تمام راهکارهای لازم فرا روی خود را فراهم کرده و با به کارگیری آنها به درجه مطلوب آن برسیم. از مباحث گذشته معلوم شد که اگر امنیت نباشد زمینه هیچ چیز دیگری حتی عبادت وجود ندارد. در آیات نیز به این مهم فراوان اشاره شده است که نمونه‌ای از آن بیان شد، این امر تا جایی ارزش دارد که خداوند در قبال بخشش آن، انتظار شکر را دارد (سوره فیل، آیات ۴ - ۱) و در روایات نیز حتی تعبیر شده است که اگر کسی ۵ خصلت را نداشته باشد زندگی او ناقص و قلبش از دست رفته است و یکی از آنها نعمت امنیت است. و حصول امنیت به عنوان پاداشی برای جهادکنندگان و صبرکنندگان قرار داده شده است در روایتی امیر المؤمنین (ع) فرمودند: «نعمت در دنیا امنیت و سلامتی جسم است و تمام نعمت در آخرت وارد شدن به بهشت است.»

پیشنهادهای

- ۱- آشنا کردن پلیس با اهمیت امنیت، اصول و مبانی آن از دیدگاه شرع و پیدا کردن مهارت لازم جهت به کارگیری آن.
- ۲- تبیین تأثیر امنیت در طول تاریخ برای برقراری جامعه‌ای ایده‌آل و قابل قبول که در آن انسانها بتوانند به راحتی به زندگی خویش ادامه دهند.
- ۳- بررسی امنیت و تأثیر آن در جامعه بشری، تأثیر بین‌المللی، ملی، فردی و اجتماعی آن و نقش آن در تحقق آلهای انسانی خصوصاً آمال جامعه اسلامی و رسیدن در حد قابل قبول آن.
- ۴- تبیین ارزش امنیت و توجیه افراد نسبت به عملی که انجام می‌دهند تا باعث تقویت اعتقادی و عملی آنان گردد.
- ۵- فرهنگ سازی در جامعه جهت کوشش و تلاش، حفظ و نگهبانی از امنیت و احساس